

مسئله روش در تاریخ شفاهی

♦ دونالد ریچی، ترجمه اردلان جوادی

امور انسانی بیشتر در شرایطی رخ می دهند که هیچ نشان، ردپا و یا سندی از آن باقی نمی ماند. تاریخ رخ نموده است و نابود شده است. آنچه از تاریخ بر جای مانده، تنها اسناد و شواهدی است که گهگاه به طور پراکنده می توان چیزی از آن به دست آورد. اجازه دهید با این نکته شروع کنیم که مقالات و کتاب های تاریخی زیادی می توان در مورد آنچه در تاریخ رخ داده است، پیدا کرد. اما تنها بخش ناچیزی از این پژوهش ها، به خوبی توانسته اند گذشته را به معنی کلمه مشاهده کنند. به علاوه، تنها اندکی از مشاهدات افراد در گذشته، اکنون به خاطر آنها می آید. به همین ترتیب، تنها اندکی از آنچه در خاطر آنها مانده است ثبت شده است. تنها بخش ناچیزی از آنچه ثبت شده است، از خطرات و بلا یا جان سالم به در برده است و مورد توجه مورخ قرار گرفته است. تنها آنچه که مورد توجه مورخین بوده است، از نظر آنها ارزشمند و معتبر است. به همین ترتیب، تنها بخشی از آنچه از نظر مورخین مهم و معتبر است، توسط آنها فهمیده می شود. و باز به همین ترتیب تنها بخش بسیار کمی را از آنچه مورخ توانسته است به خوبی بفهمد، می تواند به دیگران توضیح دهد و آن را به روایت تاریخی تبدیل کند.

برگرفته از «دریافت تاریخ، اثر لویس کاتچاک، ۱۹۵۰»

مقدمه

از زمانی که نظام نامه تاریخ شفاهی طراحی و تدوین شد، موجبات نگرانی ها و آشفتگی های بسیاری را فراهم آورد. در خلال دهه های اخیر، تاریخ شفاهی دستخوش تحولات و پیشرفت های بسیاری شده است. بنابراین خودنمایی پرسش هایی در این مورد، طبیعی است که: چه اندازه از

آنچه که سابقاً به عنوان راهنمایی‌های اساسی در زمینه تاریخ شفاهی بیان می‌شد، هم‌اکنون نیز معتبر باقی مانده است؟ تا چه اندازه، اصول و سازوکارهای قبلی تاریخی شفاهی منسوخ شده است؟ این روش شناسی در کدام سمت و سوی تازه‌ای حرکت کرده است و در چه ابعادی توسعه پیدا کرده است؟ چه پیشرفت‌های تکنولوژیکی در این زمینه صورت گرفته است؟ ثبت صدا و تصویر پیشرفت بسیار سریعی داشته است، اما کدام‌یک از دستورالعمل‌های تاریخ شفاهی توانسته است در مقابل این پیشرفت‌های سریع، بی‌تغییر باقی بماند؟

خوشبختانه، اصول بنیادین تاریخ شفاهی در زمینه تهیه کردن، رهبری و پردازش مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، تاکنون محکم و دست‌نخورده باقی مانده‌اند. البته باید به این نکته توجه داشت که الگوها و ادبیات بسیار فراوانی به وجود آمده است که در زمینه پشتیبانی و تقویت این کارکردها، می‌توان از آنها نام برد. موج سوم در حوزه تاریخی شفاهی چه تحولاتی را موجب شده است؟ در سال ۱۹۸۰، الوین تافلر، که دانشمند شایسته‌ای بود، ادعا کرد که جامعه بشری پس از گذر از مراحل کشاورزی و صنعتی، وارد عصر الکترونیک می‌شود. بر مبنای این نظریه، در عصر الکترونیک تولید، آموزش و تحصیلات، دولت و ارتباط به شیوه‌ای انقلابی دستخوش تحول می‌شود. از آن زمان تاکنون توسعه تکنولوژی بشری، افزایش و تکامل رایانه‌ها، پیدایش و فراگیری ایمیل و وب‌سایت‌های اینترنتی، همگی در راستای تقویت پیش‌بینی تافلر بوده است.

از آنجا که تاریخ شفاهی موجودیت خود را مرهون ابزارهای دیجیتال است، کسانی که با تاریخ شفاهی کار می‌کنند نیز خیلی به سرعت به عصر ابزارهای دیجیتال جدید منتقل شدند. این ابزارهای دیجیتال از ضبط صوت آغاز می‌شود و تا ابزارهای تبدیل صدا به حروف و دوربین‌های فیلمبرداری ادامه می‌یابد. تمایل عمومی افراد فعال در حرفه تاریخ شفاهی به منظور کاربرد و اعمال تکنولوژی جدید موجب شد تا فرآیندهای مصاحبه، پردازش مصاحبه‌ها و توزیع و انتشار کارهای آنها، تغییر کند. این امر به نوبه خود موجب می‌شد تا آنها بتوانند مردم را بهتر از تاریخ خود مطلع کنند.

انقلاب دیجیتال، همه قسمت‌های این ویرایش جدید کتاب را تغییر داد. بسیاری از اطلاعاتی که به نوارهای ضبط صوت مربوط بود، اکنون حذف شده است. زیرا امروزه غالب مصاحبه‌هایی که انجام می‌شود، از طریق دیسک‌های مغناطیسی یا دوربین‌های فیلمبرداری دیجیتال انجام می‌شود. این کتاب سیاستی را در این زمینه دنبال می‌کند. از آنجا که تکنولوژی نرم‌افزاری نیز رو به پیشرفت است، ما هیچ تجهیزات و یا نرم‌افزاری را برای ضبط صدا یا پردازش آن توصیه نمی‌کنیم. اما این کتاب در صدد یادآوری نکته‌هایی است که بتواند بر دستاوردهای حاصل از همه این تجهیزات و نرم‌افزارها اعمال شود.

یکی از پیامدها و نقاط برجسته این انقلاب نرم‌افزاری جدید این است که شبکه‌های ارتباطی مهمی

بین پژوهشگران به وجود آمده است. مثلاً آنها از طریق ایمیل‌های شبکه‌ای در شبکه علوم انسانی، ارتباط برقرار می‌کنند. من عمیقاً از مورخین فعال در حوزه تاریخ شفاهی سپاسگزارم. زیرا آنها با حضور در شبکه علوم انسانی و طرح موضوعاتی در زمینه تاریخ شفاهی و در میان گذاشتن پرسش‌های خود کمک‌های زیادی به من کرده‌اند. همچنین گاهی پیشنهادهای آنها، آگهی‌های آنها، هشدارها و راه‌حل‌هایشان نیز مفید بوده است. گاهی نیز آنها تجربه‌های بسیار عملی را از کارهای خودشان با من در میان گذاشته‌اند که من تلاش کرده‌ام از آن همه، در این کتاب استفاده کنم.

اینترنت، هم برای مورخین تاریخ شفاهی یک نعمت است و تسهیلاتی را برای آنها فراهم می‌آورد و هم از جهاتی نغمت است و مشکلاتی را برای آنها فراهم می‌سازد. مدت‌ها بود که مورخین تاریخ شفاهی در این فکر بودند تا راهی به منظور انتشار یافته‌های خود در زمینه تاریخ شفاهی پیدا کنند. در این زمینه بحث‌های زیادی در گرفت. آنها در صدد بودند که راهی مناسب بیابند تا بتوانند پژوهشگران بیشتری را به سمت مصاحبه‌هایی که تهیه کرده بودند جلب کنند. البته آنها به منظور جلب عموم مردم نیز برنامه‌هایی داشتند. به هر روی در نهایت آنها به این نتیجه رسیدند که اینترنت رسانه‌ای است که می‌تواند به خوبی این کارکرد را انجام دهد. زیرا فهرست مجموعه مصاحبه‌ها، متن پیاده شده مصاحبه‌ها، اصل مصاحبه‌هایی که ضبط شده است، به همراه تصاویر یا سایر یادمان‌هایی که تهیه شده است، به خوبی قابل ارائه در اینترنت می‌باشد.

اکنون محققین از دور دست‌ترین نقاط دنیا، می‌توانند از طریق اینترنت به منابع پژوهشی تاریخ شفاهی دسترسی پیدا کنند و متن مصاحبه‌ها را - که بر کاغذ آمده است - مطالعه کنند. گاهی نیز ابزارهایی برای جست‌وجو در متن مصاحبه‌ها فراهم آمده است که آنها را قادر می‌سازد تا در میان انبوه مصاحبه‌ها به جست‌وجوی موضوعات خاصی بپردازند. دانشجویان همواره تمایل دارند تا از امکانات فراهم در رسانه‌های جدید بهره ببرند. آنها در عمل حس کرده‌اند که همواره امکانات و سهولتی که کار با اینترنت برای دانشجو فراهم می‌آورد، بسیار بهتر از این است که ساعت‌ها را در رفت و آمد به آرشیوهای سنتی و اتلاف وقت در آشفته‌گی آنها بگذرانند.

اما همین ظرفیت‌های اینترنت، به نوبه خود زمینه‌ساز برخی مناقشات اخلاقی و قانونی نیز شده است و مباحثی چالش‌ساز را در میان مورخین تاریخ شفاهی فراهم آورده است. آنها در این مباحث به دنبال این هستند که راه مناسبی به منظور پرداختن به موضوعات تاریخ شفاهی و عرضه آن پیدا شود. به هر روی در ویرایش جدید این کتاب، هم به مزایا و هم به تنگناها و معایب راه یافتن منابع تاریخ شفاهی در اینترنت، پرداخته‌ایم.

در کنار تکنولوژی دیجیتال و توسعه آن، موضوع دیگری هم در کانون توجه مورخین تاریخ

شفاهی و مورخین حوزه عمومی جامعه، قرار داشته است. این موضوع که به طور کلی دانش تاریخی را نیز اثر پذیرفته ساخته است و جریان کلی آن را به چالش کشیده است؛ مربوط به حافظه و نگرش‌هایی است که به منظور پژوهش در حافظه وجود دارد. درگیر شدن با موضوعات و پرسش‌های مربوط به حافظه عموم مردم، این موضوع را به آزمون گذاشته است که مردم چگونه گذشته را برای خود به نوعی بازسازی می‌کنند. هدف آنها از بازسازی گذشته، این است که آن را برای امروز، تبدیل به عنصری مفید کنند. در این میان همه موضوعات مربوط به تاریخ‌های رسمی تا نموده‌های مختلفی که مردم جامعه از خود به نمایش گذاشته‌اند، توسط مورخین مورد بررسی قرار گرفته است.

مورخین تدریجاً به این نتیجه رسیدند که چگونه حافظه مجموع مردم جامعه، می‌تواند در حفظ و نگهداری یک رخداد تاریخی در هر جامعه، یا در از بین بردن و تحریف آن مؤثر باشد. به همین دلیل آنها به شدت به سمت تاریخ شفاهی روی آوردند. نخستین کار مورخ تاریخی شفاهی این است که پاسخ سه پرسش را روشن کند:

- مردم چگونه چیزی را در ذهن خود می‌توانند حفظ کنند؟

- مردم چه چیزهایی را می‌توانند در ذهن خود نگاه دارند؟

- چرا مردم آن چیزها را در ذهن خود نگاه می‌دارند و برای دیگران نقل می‌کنند؟

این انگیزه‌ها در میان مورخین تاریخ شفاهی بسیار فراگیر و به علایق مشترک آنها تبدیل شد. به گونه‌ای که موسسات تاریخ شفاهی موضوع حافظه و پژوهش در این زمینه را نیز به مجموع موضوعات مطلوب خود افزودند. وفاق نظر و اجماع مورخین تاریخ شفاهی در این زمینه بسیار جالب توجه بود و کسانی که حافظه را به عنوان یکی از موضوعات پژوهشی تاریخ شفاهی پذیرفتند، در موسسات سراسر دنیا حضور داشتند. مثلاً موسسه تاریخ شفاهی و حافظه ملی، یا آرشیو مانتری بی در کالیفرنیا، یا در مرکز مطالعه تاریخ و حافظه در شهر بلومینگتون ایالت ایندیانا یا مرکز مطالعه حافظه عمومی در شهر کیپ در آفریقای جنوبی، همگی این موضوعات را پذیرفتند.

پیدایش کمیته‌های سازماندهی در کالج‌ها و دانشکده‌ها، نیز تا حد بسیار چشمگیری مورخین تاریخ شفاهی را تحت تاثیر قرار داده است. این کمیته‌ها اصولاً برای پژوهش در زمینه مسائل انسانی آن‌هم از نگاه پزشکی و روان‌شناختی به وجود آمده بودند. اما به تدریج کمیته‌های مذکور توسعه پیدا کردند و علوم اجتماعی و علوم انسانی را نیز پوشش دادند. توسعه همین نگرش‌ها موجب شد تا کاربردهایی غیراصیل و غیرحقیقی نیز برای تاریخ شفاهی پیدا شود و دستورالعمل‌های غیرواقعی به منظور طراحی پرسشنامه‌هایی که بر مبنای روش‌های کمی تهیه شده بودند، ادامه یابد. رواج این دیدگاه موجب شد تا پاره‌ای از مورخین تاریخ شفاهی، به تهیه مصاحبه‌هایی روی بیاورند که

بر مبنای روش‌های کمی سازماندهی می‌شد. این موضوع خود زمینه‌ساز تنگناهایی برای حوزه تاریخ شفاهی بود. بنابراین مجمع تاریخ شفاهی آمریکا و همچنین مجمع استادان دانشگاه‌های آمریکایی، با موضوع جدیدی درگیر شدند. زیرا آنها به این فکر افتاده بودند که نوعی آزادی و استقلال دانشگاهی برای پژوهش حوزه تاریخی شفاهی به وجود آورند.

یک نگرش بسیار مثبت در این زمینه، جهانی‌سازی تاریخ شفاهی بود. سابقاً مراکز عمده تاریخ شفاهی، در آمریکای شمالی و اروپای غربی فراوان وجود داشت. در فرآیند جهانی‌سازی تاریخ شفاهی، با استفاده از انقلاب دیجیتال که صورت گرفته بود و همچنین مصادف شدن این انقلاب با تغییرات ناگهانی در وضع سیاسی دنیا، موجب شد که مراکز تاریخ شفاهی در سراسر دنیا پراکنده شوند. بنابراین مراکز تاریخ شفاهی در کشورهای سابق اتحاد جماهیر شوروی، آسیا، آفریقا، آمریکای جنوبی و کشورهای جنوب اقیانوس آرام رواج پیدا کرد. به این ترتیب، جهانی‌سازی تاریخ شفاهی، خود موجب پویایی این حوزه شد.

فقدان منابع و اسناد تاریخی مکتوب و یا اطمینان‌بخش نبودن اسناد بازمانده از رژیم‌های سیاسی قبلی، موجب شد تا احساس نیاز به تاریخ شفاهی و ضرورت پرداختن به آن، با شتاب بیشتری دنبال شود. در این مرحله، هم نیاز به تاریخ شفاهی بیشتر بود؛ هم تقاضا برای تاریخ شفاهی افزایش یافته بود. دولت‌ها نیز خود به منظور تاسیس نهادهایی که به تاریخ شفاهی مشغول شوند، گام‌هایی برداشتند و از آنها حمایت‌های مالی کردند. چنین نهادهایی، بسته به موقعیت در مناطق محلی و یا با چشم‌اندازی ملی تاسیس شدند و کار خود را در زمینه‌ها تاریخ شفاهی، با بر عهده گرفتن پروژه‌های خاصی آغاز کردند.

همواره در تاریخ شفاهی، نگرشی دموکراتیک وجود دارد. همین ویژگی موجب شد تا کسانی که مشغول کار در تاریخ شفاهی بودند به این نتیجه برسند که اکنون زمان آن فرا رسیده است که تربیون را در اختیار مردم بگذاریم تا خود سخن بگویند. در این فرآیند، دست‌اندرکاران تاریخ شفاهی، با شتابی فزاینده، دانشجویان و حتی اعضای عادی جمعیت‌ها و گروه‌ها را به منظور خاطره‌یابی و تدوین مصاحبه‌های تاریخ شفاهی‌شان آموزش می‌دادند و در نتیجه زمینه‌ساز توسعه بیشتر تاریخ شفاهی شدند.

از نخستین روزی که کتاب روش تاریخ شفاهی پدید آمد، مجمع بین‌المللی تاریخ شفاهی نشست‌های زیادی با حضور اعضا تشکیل داده است. این نشست‌ها در کشورهای مختلفی از جمله سوئد، برزیل، ترکیه و آفریقای جنوبی برگزار شده است. در هر یک از این نشست‌ها، محتوای بسیاری از کنفرانس‌هایی که متعاقب آن برگزار شده است طراحی شد. بیشتر موضوعات جدیدی که به این کتاب افزوده شده است، بازتاب پروژه‌هایی است که در سراسر دنیا و با توجه به

محتوای این نشست‌ها اجرا شده است.

تاریخ شفاهی و موضوعات اختصاصی آن در کشورهای مختلف، با هم تفاوت دارد. با این همه تفاوت اما مورخین تاریخ شفاهی بسیاری از روش‌ها و تکنیک‌های خود را به عنوان ابزارهایی مشترک می‌نگرند. در بیشتر موارد، آنها تاریخ شفاهی را منبعی می‌یابند که فرضیات آنها را به چالش می‌کشد. البته در مواردی نیز تاریخ شفاهی همان فرضیات را تأیید می‌کند؛ هر چند در بیشتر موارد، تاریخ شفاهی داغ باطله‌ای است بر فرضیه مورخین و زمینه‌ساز دیدگاه‌هایی مخالف نظر پیشین آنها. تاریخ شفاهی، ارزش خود را از پافشاری بر قالب‌هایی پیش ساخته به دست نیاورده است، بلکه ارزش تاریخ شفاهی، از گرایش و توجه به مطالب جدید و تازه فراهم آمده است. تاریخ شفاهی موجب می‌شود تا بر سراسر فضای داستان صامت تاریخی، صداهایی نیز افزوده شود. این صداها دامنه محدودی ندارد. بنابراین تاریخ شفاهی روایت تاریخی را مختصر و آسان نمی‌سازد، بلکه پیچیدگی‌های جدید و البته جالب‌تری را در آن ایجاد می‌کند.

شاید کسی در مورد تاریخ شفاهی چنین بگوید که: تاریخ شفاهی، در واقع تاریخی صوتی است. نیمی از این نگرش صحیح است. زیرا تاریخ شفاهی از سخن گفتن و عمدتاً از طریق مصاحبه پدید می‌آید. مصاحبه‌گر، پیشاپیش باید راجع به هر موضوع، پژوهشی انجام داده باشد. وی سپس باید خود را برای در میان گذاشتن پرسش‌های معنا دار آماده کند. مصاحبه‌گر تاریخ شفاهی، باید با تمرین‌هایی خود را آماده کند و چنان بسازد که بیش از گفتن، شنونده باشد؛ چنان که هرگز کاری نکند که رشته‌ای از خاطره‌ها را قطع کند. چه، همین که خاطره‌گویی را از سخن باز داریم، شاید خاطره‌ای را برای همیشه از دست بدهیم؟ اما در اینجا یک نکته جالب است: همان مورخین تاریخ شفاهی که هنگام مصاحبه‌ها دم فرو می‌بندند، در کنفرانس‌ها و مجامع علمی، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارند. زیرا آنها از خلال این مصاحبه‌ها مطالب بسیاری را دریافته‌اند. حقیقت این است که مورخین تاریخ شفاهی، عاشق سخن گفتن هستند. با این همه، باید خود را عادت بدهند که نابهنگام سخن نگویند.

مورخین تاریخ شفاهی، تنها گروهی از مورخین‌اند که با منابع تاریخی زنده سر و کار دارند. از این رو آنها باید اینقدر سرزنده باشند که بتوانند در میان این همه مصاحبه‌های جور و ناجوری که انجام داده‌اند، چنان سازگاری و تفاهم برقرار کنند که بتوانند درک و هضم این مصاحبه‌ها را آسان و ساده کنند و از آنها روایتی شفاف و روشن استخراج کنند. مورخین تاریخ شفاهی به عنوان کسانی که در طرح پرسش حرفه‌ای هستند، از خود نیز همیشه پرسش‌هایی دارند. آنها پی در پی از مفاهیم کاربردی خودشان، روش‌ها و کاربرد تکنولوژی جدید از خود می‌پرسند. به تعبیر دیگر کسانی که صداهای تاریخ‌اند، همواره صدای خود را هم می‌شنوند. این صدای درونی، همواره آنان را در

مورد روش تاریخ شفاهی و کاربرد آن، مخاطب پرسش می‌سازد.

اکنون نمی‌توان هیچ نقطه‌ای از جهان را نشان داد که در آن افرادی مشغول کار بر روی تاریخ شفاهی نباشند. از زمانی که نخستین ابزارهای ضبط صدا به وجود آمد، مصاحبه‌گران کار خود را آغاز کردند. پس از آن ضبط صوت‌هایی که با سیم کار می‌کرد، حلقه‌های مسلسل ضبط صدا که یکی پس از دیگری قرار می‌گرفت، نوار کاست، دوربین‌های فیلمبرداری، ضبط صوت‌های دیجیتال و مینی دیسک‌هایی که صدا را ضبط می‌کرد، به ترتیب یکی پس از دیگری به صحنه آمدند و در خدمت تاریخ شفاهی قرار گرفتند. مصاحبه‌گران همیشه سیاستمداران و همچنین منتقدان هر سیاست را مورد پرسش قرار می‌دادند. با افراد بومی، مهاجران خارجی، هنرمندان و صنعتگران، مقامات کشوری و لشکری، روحانیون و دین‌ستیزان همه و همه مصاحبه شده است.

مورخین تاریخ شفاهی، خاطرات انسان‌های باقی‌مانده از نجات‌یافتگان هلوکاست نازی، درگیری‌های آمریکا و ژاپن و جنبه‌هایی از اتحاد جماهیر شوروی را ضبط کرده‌اند. مصاحبه‌گران همچنین تجربیات زندگی روزمره خانواده‌ها و جمعیت‌های مدنی را ضبط کرده‌اند. گاهی آنچه ضبط شده است مربوط به شهرهای بزرگ است، گاهی آنچه ضبط شده مربوط به شهرهای کوچک است و گاهی هم مربوط به روستاهای بسیار دور دست است. اگر پیش از این در روش‌های گذشته مورخین زنان، اقلیت‌های قومی و اقلیت‌های نژادی، عمدتاً از صفحات تاریخ و چشم مورخین افتاده‌اند، مورخین تاریخ شفاهی اما برای جبران این کاستی‌ها دست به کار شدند. هدف آنها این بود که صدای چنین گروه‌هایی را ضبط کنند تا بتوانند چهره‌ای بسیار متفاوت، اما دقیق از تاریخ ترسیم کنند.

امروز آرشیوهای مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، در همه جای دنیا وجود دارد. در هر ایالت و در هر قلمروی از ایالات متحده آمریکا، این آرشیوها در اشکال بسیار گوناگونی وجود دارد. گاهی در یک خانه تاریخی، تنها چند نوار ضبط شده راجع به تاریخ محلی آن ناحیه وجود دارد. گاهی در کتابخانه‌ها مواد در زمینه تاریخ شفاهی وجود دارد. گاهی نیز هزاران صفحه متن پیاده شده مصاحبه‌های ضبط شده در کتابخانه دانشگاه‌های بزرگ به چشم می‌خورد. در هر کشور و در خلال نظام دولتی، مورخین تاریخ شفاهی شواهد مهمی را در زمینه‌های گوناگون فراهم کرده‌اند. این زمینه‌ها بسیار مختلف هستند: چشم‌اندازهای ملی، جنبه‌ها و چشم‌اندازهای تاریخی، مانورهای سیاسی و دیپلماتیک، استراتژی‌های نظامی، فعالیت‌های سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی، پروازهایی به فضا و برنامه‌هایی که در زمینه امنیت اجتماعی و رفاه عمومی وجود دارد. در روزگار ما، این اطلاعات شکل‌های متنوع و بی‌شمار برای عموم مردم به نمایش گذاشته است. این اشکال عبارتند از: کتاب‌ها، مقاله‌ها، موزه‌ها، نمایشگاه‌ها، فستیوال‌های فرهنگی و

فولکلوریک، برنامه‌های رادیویی، فیلم‌های مستند و وبسایت‌ها. در واقع شبکه جهانی اینترنت این امکان را برای تاریخ شفاهی فراهم آورده است که بتواند نسخه‌های نگارش یافته از متن‌های ضبط شده یا اصل مصاحبه‌ها را به سادگی در اختیار متقاضیان آنها قرار داد.

در نگاهی واقع‌گرایانه، نمی‌توان پیش‌بینی کرد که این نهضت تاریخ شفاهی را بر سر نوشت آینده چه تاثیری روشن کرد و در مورد آن نظری قطعی داد. نخستین خاطره‌هایی که ضبط شده‌اند مربوط به قرن نوزدهم خواهد بود؟ در دفتر پژوهش تاریخ شفاهی دانشگاه کلمبیا، یک متن پیاده شده مربوط به سال ۱۸۶۳ میلادی وجود دارد. این متن در مورد شورش‌ها و درگیری‌های خونین شهر نیویورک می‌باشد. اما به هر حال، عمده اسناد تاریخ شفاهی که موجود می‌باشد، مصاحبه‌هایی است که راجع به موضوعات معاصر انجام شده است و چهره‌های مصاحبه‌شونده در مورد تحولات اخیر بحث کرده‌اند. در آن زمان مصاحبه‌گرانی بودند که ضبط صوتشان در دستشان بود و همراه با پرسش‌های خود راه افتاده بودند و هر کسی را که فکر می‌کردند می‌تواند به این پرسش‌ها پاسخ دهد، مورد مصاحبه قرار می‌دادند و صدایش را ضبط می‌کردند. اما هنگامی که نسل گذشته می‌گذرد و کسانی که در متن رخدادها حاضر بوده‌اند و در آنها شرکت داشته‌اند زندگی را بدرود می‌گویند، نسل‌های بعدی مورخین، ناگزیر باید بر مبنای همان مصاحبه‌هایی که نسل‌های پیش تهیه کرده‌اند، بتوانند اعتماد کنند و کار خود را با بهره‌گیری از آنها انجام دهند و بر آنچه در خزانه آن همه باقی مانده است تکیه کنند و پژوهش تاریخی خود را انجام دهند.

آیندگان در مورد کارهای ما چگونه قضاوت می‌کنند؟ چه میزان از تاریخ شفاهی و مصاحبه‌هایی که امروز توسط ما تهیه می‌شود، از نگاه نسل‌های بعد در حد اسناد تاریخی اهمیت دارند؟ چه میزان از آن توسط نسل‌های بعد کارهایی سطحی و بی‌خاصیت تلقی شده و در نتیجه مردود اعلام می‌شود؟ ما چه میزان از تاریخ را می‌توانیم در مصاحبه‌های خود حفاظت کنیم و چه میزان از آن را از دست خواهیم داد؟ در اینجا به نظر می‌رسد لازم است مورخین تاریخ شفاهی، دایره دید خود را بازتر کنند و تنها به نیاز امروز خود به تاریخ شفاهی توجه نکنند. آنها باید به این موضوع نیز توجه داشته باشند که خزانه‌دار چه ثروتی هستند و چه خزانه‌ای را قرار است برای آیندگان به یادگار بگذارند.

کتاب روش تاریخ شفاهی، پرسش‌های بسیاری را مطرح می‌کند و بر آن است که پاسخ‌هایی برای آنها پیدا کند. این پاسخ‌ها دامنه بسیار گسترده از سنت‌های فعلی تاریخ شفاهی و ملاحظات مطرح در آن را در نظر می‌گیرد. پرسش‌ها و پاسخ‌هایی که در این کتاب مطرح است، به هدف پیش ساخته است مانند روش‌های کلامی در مذهب - معطوف نیست. بلکه این پرسش‌ها تنها در پی ترسیم و فراهم شدن فضایی است که در آن خواننده و نویسنده، با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینند. این نیز

خود به نمونه‌ای از همان مصاحبه‌های تاریخ شفاهی مانند است. پرسش‌ها نیز دارای دامنه‌ای بسیار مختلف است. برخی از این پرسش‌ها، پایان‌پذیر نیست. مانند اینکه «تاریخ شفاهی چیست؟» برخی از این پرسش‌ها بسیار تخصصی و مشخص است و بر موضع روشنی تکیه دارد. مانند اینکه «آیا نسخه‌های پیاده شده تاریخ شفاهی، تا مرز نوسازی در پردازش گزارش‌ها پیش می‌روند؟»

هدف از این کتاب کمک به کسانی است که رهبری و مدیریت پروژه‌های مختلف و گروهی تاریخ شفاهی را بر عهده دارند: کسانی که می‌خواهند آرشیوهای تاریخ شفاهی تاسیس کنند، کسانی که در زمینه تکنیک‌های روان‌شناختی نوار دیداری فعالیت می‌کنند، کسانی که در این زمینه تدریس می‌کنند، کسانی که می‌خواهند تاریخ شفاهی را در هر شکلی از ظهور اجتماعی مورد بهره‌برداری قرار دهند. این پرسش‌ها مداوماً در کارگاه‌های تاریخ شفاهی، مطرح می‌شود. به ویژه توسط کسانی که تنها در زمینه تاریخ شفاهی علاقه‌مند به فعالیت هستند.

پاسخ‌هایی که به این پرسش‌ها داده شده است، واقع‌نگرانه است و سعی شده است که راهنمایی‌هایی عملی در این زمینه ارائه شود. همچنین در این زمینه، اسناداردهایی را که مورخین تاریخ شفاهی همگی بر آن وفاق دارند، مراعات شده است. پاره‌ای از این پرسش‌ها توسط کسانی مطرح شده است که خود مشغول انجام یک پروژه تاریخ شفاهی بوده‌اند و در نیمه‌های راه، روش و دستورالعمل کار خود را مورد پرسش قرار داده‌اند. پاسخ‌هایی که به این پرسش‌ها داده شده است، به گونه‌ای است که بتواند هم مورد استفاده افراد کارآزموده قرار بگیرد و هم مورد استفاده مورخین جوان تاریخ شفاهی.

در اوایل نهضت تاریخ شفاهی، لوئیس استار، مدیر دفتر پژوهش تاریخ شفاهی دانشگاه کلمبیا، از فقدان یک نظام‌نامه و کتاب کار برای تهیه مصاحبه‌های مختلف، اظهار تأسف کرد. البته او در این زمینه، هشدار داد که شاید استفاده از یک کتاب واحد، نیز مشکلی را حل نکند و فایده‌ای در بر نداشته باشد. زیرا هر مصاحبه‌گری، شخصیت خاص خود را دارد و روش او نیز متفاوت است. به علاوه موضوعات مختلف تاریخ شفاهی، شرایط و نیازمندی‌های مختلفی را دارند. باید در مرحله‌ای دیگر - هر چند در پی فراهم شدن اندوخته‌ای از تجربه‌های کنونی، باز هم - به این نکته توجه کرد که کتابچه‌های راهنما و دستورالعمل‌ها باید به گونه‌ای فراگیر و جامع باشد که روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی را به مخاطبین خود آموزش دهد. به علاوه این دستورالعمل‌ها باید با توجه به تکنولوژی روز نیز به‌روز شود و همچنین بازمینه پژوهشی مخاطبین خود نیز سازگار باشد.

گروه‌های زیادی در زمینه شکوفایی ادبیات تاریخ شفاهی تلاش کرده‌اند. مورخین، آرشیو‌داران، کتابداران، فرهنگ‌شناسان، قوم‌شناسان، آموزگاران، روزنامه‌نگاران و زبان‌شناسان، همه در این

فرآیند تلاش کرده‌اند و سهم دارند. این کتاب از زاویه‌ای به موضوع نگاه می‌کند که من در تجربیات شخصی خودم با آن روبه‌رو بوده‌ام. من به عنوان یک مورخ، با مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در مقام بخشی از کار پژوهشی خود برخورد کرده‌ام. من رهبری برنامه‌آرشیوی تاریخ شفاهی را در دفتر تاریخی مربوط به سنای ایالات متحده آمریکا بر عهده داشته‌ام. کار من بیشتر در زمینه تاریخ سیاسی و تاریخ عمومی مردم بوده است. اما تماس‌های بسیار زیادی که من با چندین نهاد تاریخ شفاهی در ایالت‌ها، مناطق، مجامع تاریخ شفاهی ملی و بین‌المللی داشته‌ام به من این فرصت را داده‌است تا به برجستگی‌هایی در این حوزه دست پیدا کنم که با امتیاز خلایق بدرخشید.

در طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱، من مسئول هماهنگی فعالیت‌هایی بودم که در مجمع تاریخ شفاهی (او. اچ. ای) انجام می‌شد. در آن زمان، هدف از این تلاش‌ها این بود که جنبه‌های حرفه‌ای اصول و استانداردهای این مجمع را بازبینی کنیم و دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌های آن را بسنجیم. در چنین حوزه مطالعاتی که تا این حد سیال و وسیع و پویاست، بدیهی است که به کارگیری این اصول، تنها اختصاص به یک نسل دارد و در نسل بعدی، این اصول باید مورد بازخوانی و بازبینی قرار بگیرند.

کمیت‌های راهبردی گوناگونی برای ساماندهی رشته‌های تاریخ شفاهی دست به کار شدند. این کمیت‌ها جنبه‌هایی مانند فرآیند مصاحبه‌گیری، پردازش مصاحبه‌ها، تکنیک‌های نواز دیداری، تدریس تاریخ شفاهی، نقش پژوهشگران مستقل و موضوعات قومی را مورد بررسی و بازنگری قرار دادند. این کمیت‌ها در مورد هر زمینه از تاریخ شفاهی که فهمیدنی است بحث می‌کردند و نتایج مذاکرات و بررسی‌های خود را در دو نشست متوالی به مجمع تاریخ شفاهی ارائه کردند. در این دو نشست بحث‌های بسیار زیادی میان اعضا صورت گرفت، سرانجام اما دستورالعمل‌های مربوط به تاریخ شفاهی اصلاح شد و همگی دستورالعمل جدید را پذیرفتند.

در خلال این فرآیند، مخالفت‌های زیادی نیز در کار بود و معترضین و منتقدین زیادی به چشم می‌خوردند. در هر حوزه‌ای منتقدین و مخالفین حضور داشتند. زیرا تاریخ شفاهی و مورخین تاریخ شفاهی، در حوزه‌های مختلفی فعالیت می‌کنند. آنها عمدتاً دارای اهداف متفاوتی هستند و هر گروه، اصطلاح‌شناسی خاص خود را دارند. اما در نهایت، با طی این فرآیند، اجماع در این زمینه به دست آمد. نتایجی که این کتاب بر مبنای آن نوشته شده است، محصول همین اجماع است.

البته این‌طور نیست که هر مورخ تاریخ شفاهی با هر آنچه در اینجا بیان می‌شود کاملاً موافق باشد. زیرا در واقع برای روش تاریخ شفاهی، یک سبک و ساختار وجود ندارد. گاهی اوقات و در برخورد با برخی موضوعات نیز نگرش‌ها و روش‌هایی که مورد توافق عمومی نیست،

اتفاقا بسیار عالی جواب می‌دهد. اصول و استانداردها، برای دلایل قابل قبول وضع شده‌اند. اما همواره برای هر قانون کلی، استثناهایی نیز وجود دارد. مورخین تاریخ شفاهی، همواره از نوآوری و نوپردازی استقبال می‌کنند. این کتاب در صدد این نیست که دستورالعمل‌های سختی را برای تاریخ شفاهی طراحی کند تا به وسیله آن مورخین تاریخ شفاهی مانند سربازان یک ستون نظامی در یک خط رژه بروند. این کتاب بیشتر در صدد آن است که مورخین تاریخ شفاهی را به این ویژگی پایبند کند که در مورد ماهیت کار خود عمیق‌تر بیندیشند. به علاوه آنها باید از ظرفیت‌هایی که پیامد کار آنها ممکن است در برداشته باشد، نیز مطلع شوند.

پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح است بسیار وسیع و گاهی اوقات پیچیده است و ممکن است موجب شود تا مورخین جوان تاریخی شفاهی، هراسان و نگران شوند. اما پاسخ‌هایی که به این پرسش‌ها داده شده است، پاسخ‌های ساده‌ای است. تهیه مصاحبه برای تاریخی شفاهی، ممکن است کار ساده‌ای نباشد. اما پیگیری و زمینه‌سازی گفت‌وگو در مورد تاریخ و تحولات رخ داده در دوره معاصر، خود کار ارزشمندی است. زیرا اگر این بحث و گفت‌وگو صورت نگیرد و زمینه آن فراهم نشود، قطعاً جنبه‌های مهمی از تاریخ برای آیندگان مغفول و ناشناخته خواهد ماند.

بیشتر مورخین تاریخ شفاهی، روش‌های خود را در خلال انجام کار مصاحبه‌گیری یاد گرفته‌اند. دریافت ما از تئوری‌های مصاحبه و تحلیل مصاحبه‌ها نیز به طور معمول در اثر انجام این مصاحبه‌ها و در فرآیند منطقی آنها به دست آمده است. کتاب روش تاریخ شفاهی، راهکارهایی عملی و توضیحاتی منطقی به کسانی ارائه می‌دهد که می‌خواهند رهبری یک پروژه تاریخ شفاهی را بر عهده بگیرند و مصاحبه‌های تاریخی شفاهی را جمع کنند. تاکید این کتاب بر روش، به این معنی است که کتاب در صدد این است که یک پروژه تاریخی شفاهی را به مرحله موفقیت برساند.

۱۰۲۵۴ در اینجا باید به یک نکته ضمنی نیز اشاره کنم. من همواره مدیران پروژه‌های بسیاری را دیده‌ام که بدون اینکه واقعا هیچ مصاحبه‌ای را انجام داده باشند و کاری را آغاز کرده باشند، از موضوعاتی نگران هستند و این نگرانی آنها را آزار می‌دهد. آنها همواره نگران هستند و با خود پرسش‌هایی طرح می‌کنند: چگونه منابع مالی باید توسعه یابد؟ چه نوع پرسش‌هایی باید طرح شود؟ اساس مشروعیت پرسش‌ها را چه چیزی تعیین می‌کند؟ چه کسانی باید مورد مصاحبه قرار بگیرند؟ و دیگر مسائلی که پروژه‌های دیگر ظرفیت آن را دارند که این مسائل را حل کنند.

من همواره به آنها توصیه کرده‌ام که نگرانی‌های خود را متوقف کنند و کار مصاحبه را در عمل آغاز کنند. پروژه‌های تاریخ شفاهی می‌تواند از بخش بسیار کوچکی آغاز شود و به تدریج با توسعه منابع مالی و کارورزیده شدن همکاران آن، این پروژه‌ها نیز رشد می‌کنند. تنها به پایان رساندن یک مصاحبه کافی است تا یک پروژه را به مرحله‌ای برساند که اثر مثبت آن محسوس باشد و نشان دهد

که در این زمینه چه تلاش‌هایی باید صورت بگیرد. به علاوه همین موضوع می‌تواند هم موجب شود سرمایه‌گذاران، منابع مالی را افزایش دهند و هم می‌تواند مصاحبه‌کنندگان داوطلب را به کار جذب کند. حتی یک مصاحبه بسیار ضعیف نیز می‌تواند اشتباهاتی را نشان دهد که از طریق آن همکاران پروژه چیزهایی بیاموزند. کار با اعداد و ارقام و سنجش دائمی پروژه‌های تاریخ شفاهی بر مبنای محاسبات آماری، مطلوب نیست. زیرا همین مقدار تامل و شروع نکردن مصاحبه‌ها کافی است تا بازماندگان رخدادهای تاریخی دارفانی را وداع گویند و دست ما از آنها کوتاه شود. هزینه انجام پروژه‌های تاریخ شفاهی، بسیار متفاوت و متغیر است. تکنولوژی و ابزارهای مورد استفاده تاریخ شفاهی نیز به سرعت متحول می‌شود. بنابراین کتاب حاضر نمی‌تواند آماری محاسباتی در زمینه بودجه‌بندی پروژه‌های تاریخ شفاهی ارائه کند. به همین دلیل، ما نمی‌توانیم محاسبه کنیم و یا تخمین بزنیم که هزینه هر ساعت مصاحبه گرفتن و یا پیاده‌سازی مصاحبه و یا خرید تجهیزات خاصی که مورد نیاز است، چه میزان است. هر نوشته‌ای که بخواهد با آماری این قدر تخصصی و دقیق نوشته شود، به سرعت کهنه و غیر قابل استفاده می‌شود. بنابراین در مورد بخش مالی پروژه‌ها، به نظر می‌رسد بهترین کار این است که کسانی که می‌خواهند پروژه تاریخ شفاهی جدیدی را راه‌اندازی کنند، با پروژه‌های قبلی که در نزدیکی آنها انجام شده است، تماس بگیرند و در این مورد اطلاعات کسب کنند و به توصیه‌های آنها توجه کنند.

همچنین ما در این کتاب در صدد معرفی طرز کار دستگاه‌ها و تجهیزات مورد استفاده در تاریخ شفاهی نیستیم. گذشته از اینکه چنین تجهیزاتی همواره دستخوش تغییر و تحول می‌شوند، برای یک پژوهشگر تاریخ شفاهی، همین مقدار کافی است که بداند این دستگاه‌ها چگونه روشن و خاموش می‌شوند و به درستی کار می‌کنند. همچنین ما در صدد این نیستیم که جزئیات این دستگاه‌ها را بررسی کنیم یا مانند یک کاتولوگ معرفی محصولات، متعرض قیمت آنها شویم. در عوض، این کتاب یک حوزه بسیار وسیع را ارائه می‌کند تا بحث‌های مختلفی در زمینه روش‌های تاریخ شفاهی طرح شود و به همراه یادداشت‌ها و کتابشناسی مربوطه تقویت شود تا کسانی که پرسش‌های بیشتری دارند بتوانند به منابع مربوطه و منابع تخصصی مرتبط با پرسش خود مراجعه کنند.

هر فصل از این کتاب، عملکرد ویژه‌ای را در زمینه تاریخ شفاهی مورد بررسی قرار داده است. شروع به کار یک پروژه، روش مصاحبه، پردازش مصاحبه‌ها، استفاده از مصاحبه‌ها در پژوهش مستقل، تکنیک‌های نوآر دیداری، نگهداری از مصاحبه‌ها در کتابخانه‌ها و آرشیوها، تدریس تاریخ شفاهی و ارائه مواد تاریخ شفاهی به عموم مردم، از جمله عملکردهایی است که در این کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت. کمتر اتفاق می‌افتد که یک مورخ تاریخ شفاهی در همه

این جنبه‌ها درگیر باشد. زیرا بیشتر مورخین تاریخ شفاهی، تنها در برخی از جنبه‌های آن درگیر هستند. اما علاوه بر اینکه ما باید در تلاش باشیم تا خود را صرفاً در یک جنبه از تاریخ شفاهی محدود نکنیم، آوردن بخش‌های مختلف تاریخ شفاهی در این کتاب موجب می‌شود تا خوانندگان کتاب با پیچیدگی‌های تاریخ شفاهی آگاه شوند و شناخت بیشتری در مورد اساس این مقوله به دست آورند.

مصاحبه‌گران باید کاملاً بدانند که آرشیو داران از آنها چه می‌خواهند. به همین ترتیب، آرشیو داران نیز باید کاملاً متوجه باشند که مصاحبه‌گران از آنها چه می‌خواهند. استادان و دانشجویان، باید از جنبه‌های مختلفی که عموم مردم می‌توانند خود را نشان دهند آگاه شوند. مصاحبه‌گران نیز دست کم باید تا حدی با تکنیک‌ها و کنجکاوی‌های روان‌شناختی نوآر دیداری ذهن آدمی آشنا باشند. فصل‌های مختلف این کتاب، نظری اجمالی در مورد هر موضوع ارائه می‌دهد و منابع دیگری را برای اطلاعات بیشتر معرفی می‌کند.

تقدیر و تشکر

اما چیزی که بسیار بیشتر از منابع نوشتاری مهم است، تجربیات مورخین تاریخ شفاهی است. من سال‌های سال با این مورخین سر و کار داشته‌ام و با آنها گفت‌وگو کرده‌ام و مقایسه‌هایی انجام داده‌ام. من به طور ویژه مرهون لطف تری بردویستل هستم. زیرا او مرا تشویق کرد تا این کتاب را بنویسم و در خلال نوشتار نیز از توصیه‌ها و همچنین ویرایش‌های او بهره‌مند شدم. مارتارس، مرا به مجامع تاریخ شفاهی معرفی کرد و برای نخستین بار، تاریخ شفاهی را به عنوان یک ابزار پژوهشی به من معرفی کرد. ریچارد بیکر به من این فرصت را داد تا یک پروژه تاریخ شفاهی در سنای ایالات متحده آمریکا به وجود آورم. من از خلال مصاحبه‌های مختلفی که با سناتورهای کارمندان بخش‌هایی مختلف سنا انجام دادم، تجربیات و اطلاعات مهمی را در مورد بسیاری از جنبه‌های کشف نشده تاریخ سنا به دست آوردم.

دورئیس مجمع تاریخ شفاهی یعنی رونالد مارسلو و لیلیا گاف، به منظور بازخوانی و بازنگری مبانی و استانداردهای مجمع تاریخ شفاهی و همچنین ارزیابی دستورالعمل‌های آن، اقدامات مؤثری انجام دادند و حمایت‌های شایسته‌ای از این حرکت کردند. رؤسای این کمیته‌های اصلاح و بازنگری، در دوره‌های مختلف کمک‌های بسیار زیادی به من کردند و من از آنها و همچنین از سایر اعضای این کمیته‌ها تشکر می‌کنم. یادداشت‌های رد و بدل شده، پیش‌نویس گزارش‌ها و اطلاعات کنفرانس‌ها و جلسات رود رویی که من با افراد مختلف داشتم، موجب شد تا پروژه تبدیل شدن من به یک مورخ تاریخ شفاهی تمام عیار، تکمیل شود.

بسیاری از همکاران من متن اولیه کتاب را مطالعه کردند و نظرات اصلاحی خود را به من ارائه کردند. چارلز. تی. موریسری، که خود پژوهشگری قابل در زمینه روش های تاریخ شفاهی است و یک آموزگار ماهر مصاحبه گری است، عقاید بسیار ارزنده خود را با من در میان گذاشت. عده ای از همکاران نیز هنگامی که در دوره تابستانی تعلیمات تاریخ شفاهی، موضوع تاریخ شفاهی بین پژوهشگران مورد بحث بود، در این زمینه زحمات زیادی کشیدند. ویراستار بسیار توانمند من در آکسفورد نیز تلاش زیادی انجام داد. من این کتاب را اختصاصا به همسر م آنه ریچی تقدیم می کنم. او در واشنگتن دی. سی، مشغول تهیه مصاحبه های تاریخی شفاهی برای گنجینه ملی هنر است. من هر روز، بر همکاری، اندرزها، مشورت او تکیه می کنم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی